

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره نهم، پاییز ۱۴۰۲: ۱۵۹-۱۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۹

نوع مقاله: پژوهشی

تبیین رابطه بین احساس امنیت و ناهنجاری (مورد مطالعه شهروندان خرمشهر)

ابراهیم میرزایی*

ابوذر قاسمی نژاد**

جواد جهانگیرزاده***

چکیده

ناهنجاری، وضعیتی است که طی آن، هنجارها به عنوان تنظیم کننده کنش های جمعی و تعیین کننده تمامی رفتار جامعه، کارکرد خود را از دست می دهد. غایت هنجار، حفظ و حراست از حقوق فردی و جلوگیری از تجاوز به دیگران است که در نهایت مودی و موجد نظم پایدار و بستر ساز و تسهیل کننده امنیت و احساس امنیت در میان کنشگران فردی و جمعی داخل اجتماع است. رابطه میان وجود ناهنجاری و ایجاد حس امنیت، متقابل است و وجود هر کدام مقوم دیگری بوده، تأمین کننده نظم اجتماعی است. پژوهش حاضر، با استفاده از مطالعه ای توصیفی- تبیینی است و روش پیمایش در بین شهروندان بالای هجده سال ساکن شهرستان خرمشهر انجام شده است. حجم نمونه ۳۸۰ نفر و ضریب تعیین (R^2) به دست آمده در ارتباط با ناهنجاری برابر با ۰/۲۰ است. در بخش معادلات ساختاری، اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته (برونزا بر درونزا) مسیر مدل نشان داد که میزان تأثیر کل متغیرهای احساس امنیت،

* نویسنده مسئول: استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه پیام نور، ایران
ebrahimmirzaei@pnu.ac.ir

** استادیار گروه مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
abozarghaseminezhad65@semnan.ac.ir

*** استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران
ebrahimmirzae2013@gmail.com



احساس انومی، احساس عدالت و اعتماد اجتماعی بر ناهنجاری به ترتیب ۰/۵۱۴، ۰/۲۷۵، ۰/۱۴۵ و ۰/۴۴۸ است که متغیر احساس امنیت، بیشترین اثر کل (مستقیم و غیرمستقیم) و متغیر احساس عدالت نیز کمترین اثر را بر ناهنجاری داشته است.

واژه‌های کلیدی: ناهنجاری، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت و احساس عدالت، خرمشهر.



مقدمه و بیان مسئله

تقدم مصالح جمعی بر منافع فردی، داشتن تعاملات، روابط و وجود مکانیزم تنظیم مناسبات ناظر بر معاضدات و تضادهای افراد داخل جامعه برای حصول به نظم عمومی، امنیت و عدالت، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و عمدتاً در پرتو پدیداری جمعی چون هنجار رسمی (قانون) توأم با ضمانت اجرایی و الزام متجلی می‌شود. تصور کردن جامعه‌ای دارای نظم بدون وجود هنجار و احساس امنیت، غیر ممکن است و یک جامعه باثبات جویای توسعه، همزمان دارای هنجار رسمی به نام قانون و امنیت است که راه را بر شکل‌گیری جرایم و آسیب‌های اجتماعی می‌بندد. جرم، زاییده بی‌نظمی است و در جامعه‌ای که نظم نباشد، احساس آرامش و امنیت برای شهروندان وجود نخواهد داشت. غایت قانون به عنوان والاترین هنجار رسمی هر جامعه، حفظ و حراست از حقوق فردی و جلوگیری از تجاوز به دیگران است که در نهایت مودی و موجد نظم پایدار و بستر ساز و سبب‌ساز امنیت و احساس امنیت در بین کنشگران فردی و جمعی درون اجتماع است.

در ادبیات جامعه‌شناسی - حقوقی، نظم عمومی باز نمودی پیچیده از نیروهای جمعی مشترک است و آن را در هنجارمندی و مقرراتی جست‌وجو می‌کنند که با حیثیت، ذات و هویت جامعه مرتبط بوده، تعرض به این قواعد به معنای مواجهه با بنیان‌ها و اساس جامعه است. رعایت قوانین و هنجارهای مربوط به جرایم و قواعد و هنجارهای مرتبط با روابط اجتماعی افراد از مهم‌ترین مصادیق نظم عمومی است. عدم هم‌آهنگی این مصادیق، مساوی است با برهم خوردن امنیت و احساس امنیت خاطر جمعی در بین شهروندان (بیات، ۱۳۹۸: ۳۵).

نظم اجتماعی، روابط اجتماعی نسبتاً پایدار میان مجموعه‌ای از کنشگران فردی و جمعی بر اساس منافع مشترک، تعهدات و وابستگی متقابل است که به واسطه تعلق خاطر و احساسات اخلاقی مشترک و وجود نظام هنجاری رسمی (ملازم با پشتوانه ضمانت اجرا) در میان گروهی از کنشگران فردی و جمعی حاصل می‌شود. هنجار اجتماعی ناظر بر رفتارهای فردی، روابط بین فردی و بین گروهی در تمام سطوح جامعه است که به تعیین وظایف و حقوق افراد برای انجام کارهای مختلف و همچنین برای توزیع تکالیف و حقوق در جامعه می‌پردازد. اگر اجزای نظم و کنشگران اجتماعی

موجبات رعایت دستورالعمل‌های قانون در جامعه را رعایت و فراهم نکنند، پایداری نظام اجتماعی و هماهنگی بین اجزای جامعه دچار اختلال و بی‌نظمی روزافزون می‌شود. در آن صورت افراد جامعه با هنجارها و ارزش‌های اجتماعی که مبین نظم اجتماعی است، هم‌نوا نشده، مرتکب رفتارهای انحرافی و انواع قانون‌گریزی می‌شوند (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۵).

به سخن دیگر، جامعه زمانی به «بی‌نظمی اجتماعی» دچار می‌شود که با نقض مداوم هنجارهای اجتماعی توسط افراد به تدریج ارزش‌های اساسی‌اش زیر سؤال برود (فیروزجانیان، ۱۳۸۹: ۳۸۲). از جمله شاخص‌ها و سنجه بی‌نظمی و ناهنجاری در جامعه، قانون‌گریزی و ناهنجاری است که دارای ابعادی همچون مالی، اداری، راهنمایی و رانندگی، آموزشی و... است. هنجارمندی در ادبیات جامعه‌شناسی شامل نظام هنجارهای استاندارد شده است که برای تنظیم اعمال انسانی و تحقق نظارت اجتماعی به گونه‌ای علنی استوار یافته است (بوشان، ۲۰۰۵؛ به نقل از محسنی، ۱۳۸۶: ۳۶۶) و به شکل قانون متجلی می‌شود.

ناهنجاری، شکل مقابل هنجارمندی است که در آن افراد و حتی نهادهای اجتماعی، خارج از قواعد مألوف و مرسوم نهادینه‌شده جامعه، اقدام به رفتار و کنش کرده، موجبات بی‌نظمی را فراهم می‌کنند. ناهنجاری، مفهومی عام، گسترده و دارای ابعاد و نمودهای متعدد است که شاخص و تجلی عینی مهم آن، قانون‌گریزی است. قوانین و یا اکثر قوانین هنگام وضع، در پاسخ به نیازهای شناخته‌شده برای کنترل اجتماعی به نحو رسمی ایجاد می‌شوند. پس قوانین، مجموعه‌ایستایی از قواعد که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شوند نیستند، بلکه انعکاس استانداردهای تحول‌پذیر صحیح و ناصحیح و چگونگی شناخت تخلفات و جرایم و تعیین مجازات‌ها هستند. در این صورت اگر قوانین پاسخگوی نیازها نباشند، پایداری آنها یا اطاعت از آنها دچار تزلزل می‌شود. قانون‌گریزی، حيله نسبت به مقررات است که دارای درجات متفاوت است. یکی از درجات آن، تقلب نسبت به قانون است (پروین، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

ناهنجاری معطوف به هنجارهایی است که در جامعه به‌مثابه کل جریان دارند و عمده مردم آن را مورد نقض و عدول قرار می‌دهند. از این‌رو نقطه مقابل ویژگی عمومیت هنجارهای قانونی در جامعه است. بنابراین اطاعت نکردن کنشگران اجتماعی از

عرف‌ها و آداب غیر رسمی خارج از این تعریف قرار می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۳: ۷۰). با توجه به اینکه همهٔ افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعدهٔ رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می‌گیرند، بنابراین ناهنجاری و قانون‌گریزی، گونه‌ای از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید (مانند سرقت، قتل و...) تا قانون‌گریزی گاه‌گاهی، غیرخشن و ضعیف (مانند ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و...) را در برمی‌گیرد (فیروزجائی، ۱۳۸۹: ۳۸۵).

نتیجه کم‌ارزش تلقی کردن نظم و هنجار در جامعه، کم‌ارزش شدن اهمیت جرم و گسترش آن در جامعه و تأثیر منفی بر رفاه و توسعهٔ اجتماعی است. جدی‌انگاری هنجارگریزی، قانون‌گریزی و جرایم می‌تواند نشانهٔ انسجام اجتماعی بالا باشد و نیاز به نظارت اجتماعی را کاهش دهد و در نتیجه موجب کاهش نرخ جرایم در جامعه شود (Serajzadeh & Akbari, 2008: 542). بالا رفتن نرخ جرائم در هر جامعه‌ای مؤید و از جمله شاخص‌های افزایش میزان هنجارگریزی و کاستن از اهمیت قانون در میان افراد آن جامعه است و میزان هنجارپذیری افراد با انسجام جامعه و دوام نهادها، رابطه مستقیم دارد. احساس امنیت به عنوان جهت‌گیری عاطفی - شناختی به عنوان منبع، سرچشمه و حس درونی افراد که بر اساس مجموعهٔ به‌هم‌پیوسته‌ای از عوامل درونی و بیرونی صورت می‌گیرد، یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در نظم‌دهی، هنجارمندی و تنظیم رفتار و کنش افراد جامعه است. به بیانی دیگر، امنیت و احساس امنیت به پاسداری از احساس تعلق و وفاداری به ارزش‌ها و اهداف جمعی و تقویت انسجام اجتماعی منجر گشته، موجبات انسجام و انجام تعهدات جمعی متقابل در قبال جامعه و افراد را فراهم می‌کند. احساس امنیت ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی (مستقیم و غیر مستقیم) افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است و آنچه مدنظر پژوهش کنونی است در معنای واقعی آن است، نه جنبه ناامنی مرضی شخصی.

احساس امنیت^۱ به عنوان یک پدیدار روان‌شناختی - اجتماعی، حالتی است که افراد جامعه، هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته، به‌هیچ‌وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد. همچنین احساس امنیت به عنوان فرایندهای روانی -

اجتماعی صرفاً بر افراد تحمیل نمی‌شود، بلکه اکثر افراد جامعه بر اساس نیازها، علایق، خواسته‌ها و توانمندی‌های شخصیتی و روانی خود در ایجاد و از بین بردن آن دخیل هستند (بیات، ۱۳۹۸: ۱۶).

مسئله عمده بسیاری از جوامع در حال توسعه همچون ایران، گذار از جامعه سنتی و هم‌آهنگ شدن با ارزش‌ها و نهادهای منبعث از ارزش‌های نوین همچون قانون است. در این فرایند و تحول، ناهماهنگی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی، فرهنگی و... متجلی می‌گردد که خود افزایش ناهنجاری اجتماعی، قانون‌شکنی و قانون‌گریزی را به دنبال دارد. بر اساس نتایج عمده کتب، تحقیقات و نظرسنجی‌های مربوط به جامعه امروز ایران در ارتباط با نظم اجتماعی، انحرافات و قانون‌گرایی، مؤید ناهنجاری، گسیختگی اجتماعی، نابسامانی، قانون‌گریزی و فساد اجتماعی در ساختار کلی جامعه و ابعاد آن در همه سطوح اجتماعی است که در آن تمایل به نظم مبتنی بر قانون و قانون‌پذیری، کم و مسئله‌ای اجتماعی است.

خرمشهر، یکی از شهرهای استان خوزستان است که هشت سال به‌طور مستقیم درگیر و شاهد جنگ تحمیلی بوده و دارای مرز مشترک زمینی و دریایی با کشور عراق است که دارای مراودات اقتصادی و اجتماعی نیز می‌باشند و همچنین دارای تنوعات قومی-زبانی است که با گذار از وضعیت سنتی و در معرض بودن تغییر و تحولات ناشی از مدرنیته از سوی دیگر، تغییرات اساسی در حوزه‌های مختلف جامعه را تجربه کرده و تجلی و پیامد چنین تغییراتی در ارتباط با شکل‌گیری انواع آسیب‌های اجتماعی و به طور کلی انواع ناهنجاری، قانون‌گریزی و عدم احساس امنیت است.

بر اساس پیمایش وزارت امور اقتصاد و دارایی برای سنجش شاخص‌های ملی محیط کسب‌وکار، استان خوزستان، کمترین میزان احساس امنیت را داشت. با نگاهی به آمارها و چگونگی جرایم در استان خوزستان و شهرستان خرمشهر می‌توان شاهد نرخ و میزان جرایم و هنجارگریزی بالا در این استان بود. با پیدایش شرایط و مسائل یادشده، نه تنها بقا و تداوم حیات اجتماعی در جامعه با چالش‌های درونی و بیرونی روبه‌رو می‌شود، بلکه سامان‌دهی نظم و مدیریت مسالمت‌آمیز و خردمندانه و مشارکت‌جویانه تضادها، توسعه و بررسی نظم اجتماعی و هنجارمندی ضرورت و اهمیت می‌یابد و همچنین مقابله

صحیح با آنها موکول به اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر یافته‌های علمی بسیار دقیق و روزآمد برای گذار از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است.

پرسش مورد توجه در این مقاله ناظر بر این است که:

- وضعیت موجود ناهنجاری با تأکید بر سنجه قانون‌گریزی در شهر خرمشهر چگونه است و چرا؟

- احساس امنیت تا چه اندازه در رفتار ناهنجار افراد تأثیرگذار است؟

- برای گذار از وضعیت موجود به مطلوب چه می‌توان کرد؟

در راستای پاسخ به چنین پرسشی، اهداف زیر مطرح نظر قرار گرفته‌اند:

- توصیف وضعیت ناهنجاری (با تأکید بر قانون‌گریزی)

- توصیف وضعیت احساس امنیت

- توصیف وضعیت احساس امنیت، احساس آنومی، احساس عدالت و اعتماد اجتماعی

- تحلیل وضعیت ناهنجاری و بررسی تأثیر احساس امنیت بر کم و کیف ناهنجاری

- ارائه راهبردهای مبتنی بر یافته‌های پژوهشی برای تقویت هنجارمندی و

پیامدهای مثبت آن

پیشینه پژوهش

همه پژوهش‌ها محصول تلاش چندجانبه و تعاملی بین کنشگران و اجتماع علمی است که در یک فرایند برهم‌کنشی تدوین نشده، بنابراین در خلأ انجام نمی‌گیرند. این پژوهش نیز از این قاعده مستثنی نیست. به این معنا از تحقیقات پیشین تأثیر می‌پذیرد و به نوبه خود بر تحقیقات آتی نیز تأثیر می‌گذارد.

عباس‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و (ناهنجاری) آنومی اجتماعی» نتیجه گرفتند که میانگین آنومی اجتماعی در میان دانشجویان پاسخگو در حد متوسط به بالاست. نتایج تحلیل رگرسیون انجام‌یافته نشان می‌دهد که توان متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته در حدود ۱۲ درصد بوده و در این میان، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی) بر آنومی اجتماعی تأثیرگذار بوده است.

جوادی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر اجتماعی در احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز» که با روش پیمایشی انجام گرفته، نتیجه گرفتند که میزان احساس آنومی (متوسط نمره ۵۵/۶۱) است. در این تحقیق، فرضیه ارتباط همبستگی اجتماعی نظریه دورکیم، نظریه مسنر و کروهن، رابطه معکوس همبستگی اجتماعی و احساس آنومی، ارتباط احساس آنومی با نظارت اجتماعی با نظریه‌های دیوید ریزمن و ایتکینسون و رابرتسون و رابطه معکوس نظارت اجتماعی و احساس آنومی، کاهش احساس آنومی با پذیرفتن ارزش‌های جامعه پارسونز تأیید شدند.

محسنی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی» نتیجه گرفت که میان ویژگی‌های شخصیتی افراد، آموزش و آگاهی افراد از قوانین، ضعف و خلأ قوانین، بی‌هنجاری و اجباری بودن قوانین با قانون‌گریزی، رابطه معنادار وجود دارد.

حسینی نثار و همکاران (۱۳۹۴) به مطالعه بی‌هنجاری و عوامل مؤثر بر آن در شهر رشت پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که آنومی در ابعاد سه‌گانه، به‌ویژه در بعد رسمی، به میزان زیاد وجود دارد. بررسی رفتار آنومیک پاسخگویان نیز گویای آن است که ۶۲ درصد، درجهٔ هنجارشکنی متوسطی دارند. همچنین متغیرهایی مانند اعتماد اجتماعی و رضایت اجتماعی، رابطه معکوسی با آنومی (هنجارگریزی) دارند.

فیروزجائیان و همکاران (۱۳۹۵) نیز در تحقیق خود با عنوان «قانون‌گریزی به‌مثابه آنومی اجتماعی» نتیجه می‌گیرند که متغیرهای زمینه‌ای، رابطه میان سن، تحصیلات و وضعیت اقتصادی با هر دو بعد قانون‌گریزی معنی‌دار و معکوس و تأثیر کل متغیرهای اصلی تحقیق بر متغیر وابسته عبارتند از: پنداشت از فردگرایی در جامعه (۰/۲۰) فردگرایی افراطی (۰/۴۲)، تعهد دینی (۰/۱۱-)، عدم مشروعیت دینی قواعد (۰/۱۲)، نابرابری در اعمال قانون (۰/۱۴) و نامناسب دانستن قانون (۰/۱۴). این متغیرها به همراه قانون‌گریزی ذهنی (۰/۲۴)، ۳۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته اصلی تحقیق (قانون‌گریزی عینی) را تبیین کرده‌اند. این در حالی است که تأثیر این متغیرها (به جز نامناسب دانستن قانون) بر قانون‌گریزی ذهنی ۰/۵۸ است. نتایج نشان داد که نگرش

قانون‌گريزانه افراد، قوی‌تر از رفتار قانون‌گريزانه آنهاست؛ زیرا قانون‌گريزی همواره می‌تواند هزینه‌هایی برای افراد به همراه داشته باشد.

مستمع و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «تبیین عوامل مؤثر بر آنومی اجتماعی در بستر توسعه فرهنگی در خانواده شهری و پیامدهای آن» به این نتیجه رسیده‌اند که آنومی در میان خانواده‌ها بر اثر برخوردها و تضادهای فرهنگی جامعه چندقومیتی و نبود وفاق هنجاری درون خانواده‌ها به وجود آمده است. بیشترین سهم از مقدار واریانس کل به عامل اول یعنی محرومیت تعلق دارد و گویای آن است که عامل اصلی در تأثیرگذاری بر آنومی کل میزان محرومیت در میان خانواده‌هاست.

موسوی مجد و همکاران (۱۳۹۹) به مطالعه «رابطه اخلاق حرفه‌ای با آنومی اجتماعی (اهمال کاری) در میان کارکنان» پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که میان اخلاق حرفه‌ای با ابعاد (مسئولیت‌پذیری، صداقت و احترام به دیگران، عدالت و هم‌دردی و وفاداری) و آنومی اجتماعی (اهمال کاری)، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

محمدی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی نوین با آگاهی سیاسی و آنومی اجتماعی در شهروندان استان ایلام» نتیجه می‌گیرند که میزان آگاهی سیاسی شهروندان برابر ۳/۶۲ و میزان احساس آنومی برابر با ۳/۹۲ بوده است. میان میزان استفاده از شبکه‌های نوین اجتماعی مورد نظر و آگاهی سیاسی با ضریب ۰/۱۹۷، ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های استنباطی نشان می‌دهد که میزان آگاهی هرچند در حد متوسط است، با توجه به وضعیت نسلی و جنسیت پاسخگویان، دارای تفاوت معنی‌داری است و میزان احساس آنومی سیاسی با توجه به وضعیت نسلی و جنسیت و تفاوت بین آنها معنی‌دار نیست. به عبارتی احساس آنومی با توجه به میزان آن در جامعه مورد مطالعه، فراگیر است.

قجری و شاهرودی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «احساس امنیت زنان در شهر تهران» نتیجه می‌گیرند که عواملی مانند تأمین امنیت در شهر، سالم‌سازی شهری، حس تعلق محیطی، ارتقای سطح فرهنگی، اجتماعی و رفع نابرابری اجتماعی-اقتصادی در احساس امنیت زنان، مؤثر است. نظارت اجتماعی، توسعه فرهنگی، وضعیت اقتصادی و توانمندسازی زنان در بروز، افزایش تعاملات اجتماعی و شکل‌گیری احساس امنیت، مؤثر هستند.

سیدین و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «شناخت تأثیر بی‌هنجاری با تأکید بر سه بُعد (بی‌معنایی، بی‌اعتمادی و بی‌قدرتی) بر بی‌تفاوتی اجتماعی» نتیجه گرفتند که میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی پاسخگویان، بالاتر از حد متوسط است و افزایش وضعیت بی‌هنجاری در جامعه به طور مستقیم و به واسطه متغیرهای بی‌معنایی، بی‌اعتمادی و بی‌قدرتی بر بی‌تفاوتی افراد تأثیر می‌گذارد. هرچه میزان بی‌هنجاری اجتماعی، بیشتر باشد، بی‌تفاوتی اجتماعی، بیشتر است.

شول و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر اقصاء اجتماعی بر بی‌هنجاری اجتماعی» نتیجه می‌گیرند که متغیر تحصیلات، ۷/۶ درصد از آنومی اجتماعی و متغیر شغل، ۹ درصد از آنومی اجتماعی، متغیر سن، ۹/۷ درصد از آنومی اجتماعی، متغیر میزان درآمد، ۸/۹ درصد از آنومی، اجتماعی و متغیر اقصاء اجتماعی، ۱۵ درصد از آنومی اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند.

مطالعات پیشین از چند منظر مورد توجه و نقد هستند. اغلب پیشنهادها به بررسی ناهنجاری اجتماعی با عنوان آنومی پرداخته‌اند و عمدتاً به جنبه خاصی از موضوع پرداخته و به‌طور مستقیم به نقش متغیر مهم امنیت در شکل‌گیری ناهنجاری و با استفاده از تحلیل‌های ساختاری نپرداخته‌اند. لیکن اکثر آنها از نظر موضوعی، قابلیت لازم برای استفاده در ادبیات تحقیق این پژوهش را (حداقل درباره یکی از متغیرهای موضوع) داشته‌اند.

ملاحظات مفهومی

احساس امنیت: این مفهوم که ناظر بر بعد ذهنی امنیت است، ارتباط تنگاتنگی با بعد عینی و دلالت‌های روان‌شناختی-اجتماعی دارد که بر اساس آن، فرد، بیم و هراسی نسبت به اندوخته‌ها، حقوق و آزادی‌های مشروع خود درون اجتماع، چه در زمان حال و چه در آینده نداشته باشد. شکل‌گیری احساس امنیت، یک فرایند و در یک رابطه چندگانه در اثر رابطه مستقیم و غیر مستقیم میان فرد و جامعه، نهادها و اعیان جمعی و پنداشتی است که در طول یک تاریخچه زندگی تولید می‌شود و افراد بر اساس آن، رفتار خود را تنظیم می‌کنند (Aki & Akin, 2015: 19).

احساس امنیت به عنوان جهت‌گیری ذهنی و نظام تمایلات فرد، نوعی آمادگی قبلی

و حس درونی است که کنش و تمایل رفتار فرد را در ارتباط با محیط عینی بیرون تنظیم و امکان مشارکت فرد را در سرنوشت خود و جامعه فراهم می‌کند و حس تعلق پایدار را نسبت به سرمایه‌ها و داشته‌های مالی، جانی، فکری و... در سطح فردی (خرد) و جمعی (کلان) ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر احساس امنیت به عنوان یک پدیدار روانی- اجتماعی، حالتی است که آحاد جامعه، احساس هراس و بیم ناخوشایند نسبت به محیط فردی و جمعی پیرامون خود نداشته، از یک امنیت و طیب خاطر و اعتماد هستی‌شناختی بنیادین برخوردار باشند.

ناهنجاری: هنجارها، قواعد رفتاری، معیارهای اجرایی تثبیت‌شده و اندیشه‌هایی هستند که درباره رفتارهایی که برای اعضای گروهی خاص، رفتار صحیح تلقی می‌شود و لازمه کنترل اجتماعی است. هنجارها به دو شکل توصیفی و تجویزی هستند که در حالت اول، نوع رفتار مناسب قابل قبول را مشخص می‌سازد. در مقابل، هنجارهای تجویزی بیانگر رفتارهای نامناسب یا غیر قابل قبول هستند. هر دو نوع هنجارها در تمام سطوح جامعه، از فعالیت‌های روزمره تا تدوین قانون به کار گرفته می‌شوند. بخشی از هنجارها، جنبه رسمی به خود گرفته، چون شکل نوشته‌شده و مدون به خود می‌گیرند، اهمیت بیشتری دارند و در آنها برای افراد خاطی، مجازات خاصی پیش‌بینی شده است (کندال، ۱۴۰۱: ۱۱۱).

قوانین از جمله هنجارهای رسمی به شمار می‌روند که واجد پشتوانه انواع ضمانت‌های اجرایی شامل پاداش و مجازات برای رفتار مناسب و نامناسب هستند. ناهنجاری، حالتی است که در آن، قواعد رفتاری و مقررات مدون رسمی توسط افراد به عمد نقض شده و افراد تمهیدی در راستای رعایت و عمل به معیارهای مصوب، عام و رسمیت‌یافته در جامعه ندارند. در وضعیت ناهنجاری و آنومیک، افراد هیچ‌گونه تعلق خاطر و تعهد نسبت به رعایت قراردادهای منظم و هر نوع میثاق جمعی در جامعه ندارند و منافع فردی را بر مصالح جمعی مقدم می‌شمارند و در نتیجه شالوده تعادل و انسجام اجتماعی، مختل شده، مکانیزم‌های کنترل اجتماعی به درستی به ایفای نقش نمی‌پردازند. در نتیجه بی‌هنجاری، افراد چندان احساس امنیت و آرامش پایدار نمی‌کنند و اضطراب وجودی، سراسر وجود جامعه را فرا می‌گیرد. به لحاظ مفهومی،

ناهنجاری دارای ابعاد «بی‌معنایی»^۱ (آدمی که در برابر معنای زندگی با خلأ مواجه می‌شود)، «بی‌اعتمادی»^۲ (پدیده‌ای که فرد اطمینان به خود را از دست می‌دهد و اذعان به ناتوانی می‌کند) و «بی‌قدرتی»^۳ (حالتی که فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های مختلف زندگی و کنش‌هایش، فاقد تأثیر و در نتیجه بی‌تفاوت است) است (سیدین و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۸۲).

مبانی نظری

نظریه آنومی اجتماعی: امیل دورکیم

به اعتقاد دورکیم، ارتباط مستقیمی میان التزام به قوانین، هنجارها و قواعد اجتماعی و شکل‌گیری احساس امنیت وجودی در وجود شخص است. در غیر این صورت افراد احساس سردرگمی در انتخاب‌های کنشی خود و عدم تطابق با نظام اجتماعی می‌کنند و در نتیجه وضعیت و حالتی از گسستگی و بی‌سازمانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود. بنابراین وضعیت آنومیک در دو سطح خرد و کلان پدید می‌آید. به بیانی دیگر بی‌هنجاری، وضعیتی است در ارتباط با گذر از سادگی به پیچیدگی بیشتر؛ شرایطی که تأثیر و نفوذ قانون سرکوبگر و مجازات متناسب آن بر کنترل تعاملات و رفتار و تعیین جایگاه افراد در موقعیتشان ناتوان است (Franzese, 2020: 46). سه معنای متمایز آنومی عبارتند از:

۱. بی‌سازمانی شخصیت آنچنان که فرد خود را منحرف و متمرّد در برابر قانون نشان دهد.
۲. شرایط و وضعیتی اجتماعی که در آن هنجارها در تنازع با یکدیگرند و افراد به سختی می‌توانند بین خواسته‌ها و توقعات متناقض محیط اجتماع، آشتی و سازگاری پدید آورند.
۳. وضع یا شرایط اجتماعی که فاقد هنجار باشد.

زمانی بی‌هنجاری رخ می‌دهد که شرایطی از این قبیل تحقق یافته باشد: عدم جذب

1. Meaninglessness
2. Distrust
3. powerlessness

کامل افراد درون نظام اجتماعی و کاهش قدرت هنجارها و قوانین بنا به دلایلی مانند انقلاب، دگرگونی‌های سریع، تنازع درونی هنجارها و... (بخارایی، ۱۴۰۰: ۱۲۲).

در حقیقت این مفهوم در سه معنای جداگانه و در عین حال همبسته به کار رفته است: نخست به مفهوم نابسامانی فردی که موجب سرگشتگی انسان و نبود قانون و دستورالعمل رفتار برای وی می‌شود. دوم به مفهوم وضعیت اجتماعی که در آن قواعد رفتار اجتماع با یکدیگر در ستیز بوده، فرد برای انطباق با این قواعد و متابعت از آنها دچار پریشانی می‌شود. سوم، اشاره به وضعیتی اجتماعی دارد که در آن میان فرد و برخی هنجارهای اجتماعی و قواعد رفتار، تضاد و ستیز است (Junger, M., & Marshal, 1997: 164). در ارتباط با مسائل سطح خرد، دورکیم چهار شاخصه را در بروز نوعی از خودکشی یعنی خودکشی آنومیک در نظر می‌گیرد: تغییرات سریع و بحران‌های عمده اقتصادی- اجتماعی، آشفتگی در نظام جمعی و نظم عمومی جامعه، وجود مشاغل حرفه‌ای تخصصی و لیبرال و طلاق در میان خانواده‌ها (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

به طور کلی و بر اساس تئوری آنومی دورکیم می‌توان گفت که در وضعیت بی‌هنجاری، هنجارهای اجتماعی، اقتدار آمرانه و جنبه مطلوب خود را از دست داده، مدیریت اخلاقی لازمه را بر افراد نمی‌توانند اعمال کنند. در وضع بی‌هنجاری، وضعیت اجتماعی ویژه‌ای است که در آن هنجارها و معیارهای اجتماعی دچار پریشانی شده، یا آنکه با یکدیگر ناهم‌ساز گردیده، فرد برای هماهنگ شدن با آنها دچار سردرگمی و سرگشتگی و ناایمن می‌شود. از این‌رو فرد در وضعیتی قرار می‌گیرد که به درون خویش پناه برده، بدبینانه همه پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند. توأم با این وضعیت، اعتماد و احساس امنیت اجتماعی که لازمه آن، وجود ضمانت هنجارهای متقابل است، کاهش می‌یابد و افراد مشارکت کمتری در روابط اجتماعی خواهند داشت. به خاطر اینکه هر لحظه احتمال دارد که افراد مورد استثمار دیگران قرار گیرند، در نتیجه نابسامانی‌ها، کج‌رفتاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی افزایش خواهد یافت (مبارکی، ۱۳۸۳: ۹۶).

نظریه اعتماد بنیادین و امنیت آنتونی گیدنز

گیدنز، شکل‌گیری نظم اجتماعی و احساس امنیت در جامعه جدید را با مفاهیمی مانند «ساخت‌یابی»، «از جا کندگی»، «نظام‌های تخصصی» و «خطر کردن» مطرح می‌کند و بر این باور است که زندگی در شرایط مخاطره و خطر، بخشی از سرنوشت انسان مدرن

است و بی‌اعتمادی و احساس امنیت، همزمان جزئی از سامانمندی جامعه است. در دنیای جدید، شرایطی پیش آمده است که اعتماد و امنیت، واجد پایداری موقت است و اعتماد بنیادی یا وجودی دائم وجود ندارد و اضطراب و هراس ذهنی- روانی، فرد را مجبور به خطر کردن می‌کند و شاهد ساخت‌یابی‌های روزمره در حوزه کنش فردی می‌باشیم و بر این اساس به دنبال زوال نهادهای سنتی امنیت‌ساز، برای تقلیل ناامنی وجودی، نیازمند نهادهای تخصصی برای مدیریت روابط می‌باشیم و همزمان خود نهادهای تخصصی از بی‌اعتمادی بنیادین رنج می‌برند.

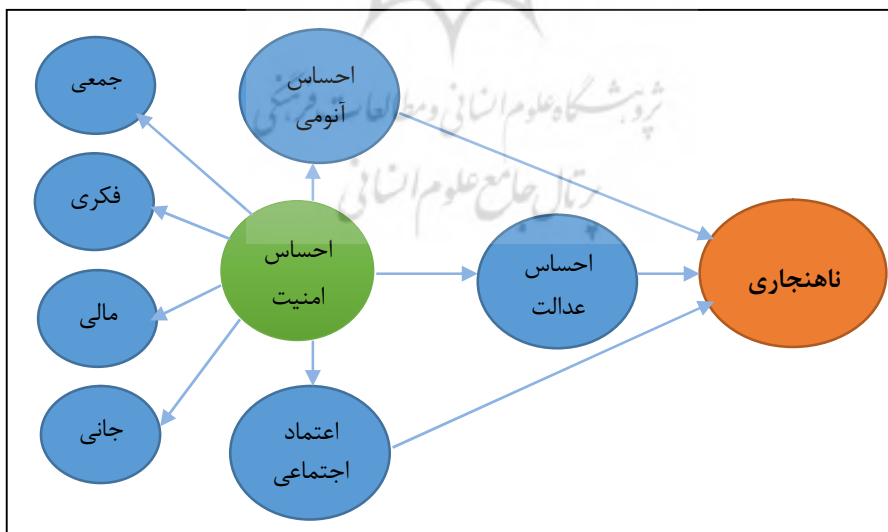
گیدنز، ریشه نیاز به احساس امنیت و اعتماد بنیادین را نخستین تجربه‌های زیسته دوران کودکی می‌داند که به واسطه زندگی در اجتماع و تعاملات روزمره پدید می‌آید و شرط اساسی تدارک هویت شخصی، استقرار اعتماد بنیادین است. بنابراین در دنیای جدید، احساس امنیت، اهمیت زیادی دارد و به نوعی مسئله مهم و بنیادی انسان مدرن است. احساس امنیت تا حدود زیادی بر اعتماد بنیادین مبتنی دارد و شرط تحقق و حصول به احساس امنیت، اعتماد و پیوند آن با نظام‌های مجرد و تخصصی است و بر بستر چنین شرایطی است که جهت‌گیری عاطفی و شناختی توأم با احساس امنیت شکل می‌گیرد. به زعم گیدنز، عنصر نظام اعتماد بنیادین به عنوان عامل بستر ساز و منشأ احساس امنیت، در ارتباط کنش‌ها و واکنش‌ها با واقعیت همچون غربالی عمل می‌کند که همه افراد عادی در جریان رویارویی با مسائل زندگی روزمره خود در پناه آن قرار می‌گیرند و نقش نوعی پوسته و پیلۀ حمایتی را بازی می‌کند (گیدنز، ۱۴۰۰: ۶۵).

نظریه ناهنجاری تالکوت پارسونز

پارسونز در نظریه‌های خود معتقد است که هر کنشی اعم از کنش بهنجار یا نابهنجار را صور خاصی از ساختارهای اجتماعی ساخته و تولید می‌کند. از این‌رو کنش بزهکارانه نیز توسط فرد در چارچوب شرایط و ساختار اجتماعی و وسایل و مسیرهایی برای نیل به اهداف قابل تبیین می‌باشد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۹۹). به زعم پارسونز، نظام اجتماعی واجد چهار خرده‌نظام است که نهادی شدن را یکی از بنیادی‌ترین سازوکارهای کنترل اجتماعی و احساس امنیت در جامعه می‌داند که بر اساس آن، فرد در فعالیت‌های گوناگون و متفاوتی، اشتغال داشته، با عده زیادی از افراد دیگر، ارتباط‌های اجتماعی دارد؛ افرادی که مناسبات گسترده‌ای با او دارند. یکی از کارکردهای اولیه نهادی شدن این است که به این فعالیت‌ها و

ارتباطها نظم دهد تا نظامی کاملاً هم‌آهنگ به وجود آید و کنشگر بتواند در هماهنگی سهیم باشد و ستیز را در سطح اجتماعی به حداقل برساند.

پارسونز معتقد است که درون نظام اجتماعی، پدیده‌هایی وجود دارد که مانند سازوکاری تعریف می‌شود که حداقل به طور ناقص، کارکرد آنها در جهت سازگاری است. این عوامل بر دو نوع است: نخست، وضعیتی است که طی آن به دلیل وجود عوامل نامطمئن یا به‌ویژه مسائل سازگاری بحرانی، فرد در برابر فشار غیر معمولی قرار می‌گیرد؛ مانند نامطمئن بودن از سلامتی. نوع دیگر، سازمان‌دهی رفتار است که می‌توان آن را نهاد فرعی نامید، مانند آیین‌ها. این فرهنگ هم جنبه آزادانه مشخص خود را دارد، چنان‌که کج‌روی آشکار را پیدا می‌کند. این جنبه ممکن است حالت «دریچه اطمینان» در نظام اجتماعی را داشته باشد که تلاش برای محدود کردن جوانان به شیوه‌ای کاملاً منطبق با نظم بزرگ‌سالان است و احتمال دارد موقعیت آنها را تضعیف کند. این فرهنگ، جنبه‌های کنترلی مثبت هم دارد. یکی از آنها، یکپارچگی فرهنگ جوانان با ساختارهای نهادی عمده به‌ویژه در آموزش رسمی است. این موضوع نه‌تنها جوانان را زیر نظارت مستقیم بزرگ‌سالان می‌آورد، بلکه برخی از الگوهای رفتاری مانند رقص و ورزش را مشروعیت می‌بخشد. با وجود انحراف جزئی، چنین کانون مشروعی، بی‌تردید کل میزان کج‌روی‌ها را کاهش می‌دهد (همان).



شکل ۱- مدل فرضی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس الگوی علی مزبور می‌توان فرضیه‌های محوری را به شرح زیر مشتق گرفت:

- میان میزان احساس امنیت و ناهنجاری، رابطه وجود دارد.
- میان میزان احساس انومی و ناهنجاری، رابطه وجود دارد.
- میان میزان اعتماد اجتماعی و ناهنجاری، رابطه وجود دارد.
- میان میزان احساس عدالت و ناهنجاری، رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، مطالعه‌ای توصیفی-تبیینی بوده، روش غالب کمی-پیمایش است که به عنوان روشی پنهانگر استفاده شده تا داده‌های تحقیق را از جامعه واقعی جمع‌آوری کند. از آنجایی که تحقیق حاضر، پیمایشی است، درباره بررسی و مطالعه رابطه میان متغیرهای پژوهش با بی‌هنجاری در میان شهروندان بالای هجده سال ساکن شهرستان خرمشهر انتخاب شد. حجم نمونه آماری با سطح اطمینان ۹۶ درصد و خطای ۴ درصد با لحاظ کردن نمونه متناسب برآورد شد که در مجموع ۳۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

پیش‌آزمون^۱ و اعتبار و روایی تحقیق: در این تحقیق برای تطابق پرسشنامه با شرایط محیطی خاص و آزمون آن، ابتدا در میان ۶۰ نفر از افراد جامعه آماری مورد نظر به طور تصادفی توزیع و برای بررسی روایی^۲ شاخص‌هایی که متشکل از چند گویه یا پرسش بودند، از آلفای کرونباخ^۳ استفاده شده است.

1. pre-test

2. Reliability

3. Cronbachs Alpha

جدول ۱- ضریب روایی نهایی معرف‌های متغیر مستقل و وابسته

متغیرها	مؤلفه‌ها	تعداد گویه	نتایج آزمون پایایی
احساس امنیت	جمعی، فکری، مالی و جانی	۱۲	۰/۷۱۱
اعتماد اجتماعی	بین‌شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی	۴	۰/۹۴۵
احساس آنومی	----	۴	۰/۸۷۹
احساس عدالت	----	۴	۰/۷۶۱
ناهنجاری	مالی- اقتصادی راهنمایی- رانندگی اداری آموزشی- فرهنگی عمومی	۱۵	۰/۷۴۶ ۰/۷۶۱ ۰/۷۴۳ ۰/۸۵۲ ۰/۸۴۳

شاخص‌سازی سازه‌های پژوهش

احساس امنیت

این حوزه از مفهوم امنیت حاوی ابعادی چندگانه است که در مطالعه کنونی با لحاظ تناظر سطوح خرد و کلان و نظریهٔ پارسونز و مهم‌ترین سرمایه‌های هر فرد به وجوه مالی (اقتصادی)، جانی (جسمانی)، فکری (فرهنگی) و جمعی (اجتماعی) پرداخته می‌شود.

الف) امنیت مالی: این بعد ناظر است بر حس فرد نسبت به اموال و دارایی‌های مالی- مادی شخص در جامعه و امکان سرمایه‌گذاری و استفاده از امکانات به طور برابر و نیز توزیع عادلانه ثروت و در نهایت اینکه تا چه حد تهدیدی متوجه آنها نمی‌شود.

ب) امنیت جانی: این نوع حس ابتدا به معنای فقدان هرگونه خطر و تهدید نسبت به جسم و روان فرد در محیط از سوی عوامل بیرونی مزاحم و سپس مخاطرات خارج از کنترل فرد مانند تهدیدهای بهداشتی، اجتماعی و دولتی است که حس امنیت جسمی و روانی را به خطر می‌اندازد (Clements, 1997 : 88).

ج) امنیت فکری: این بعد شامل نوعی از امنیت است که فرد به دنبال اظهارنظر و یا مشارکت حول موضوعات اجتماعی مانند مدیریت جامعه و چگونگی آن و نشر افکار و ایده‌هاست تا حس بد، خاطر پریشان و نگرانی نسبت به وضعیت حال و آینده نداشته باشد.

د) امنیت جمعی: به احساس فرد برای گردش و شرکت آزادانه در خیابان‌ها، پارک‌ها و

مجالس اشاره دارد، به گونه‌ای که افراد و یا دیگر گروه‌های اجتماعی، او را مورد تهدید و تعرض و سوءاستفاده قرار ندهند. همچنین نداشتن نگرانی برای تعاملات، برپایی تجمعات آیینی، دینی، سیاسی، صنفی و علمی است (طاهری و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲۵).

ناهنجاری

عبارت است از شرایطی که مردم در آن تحت نظارت قواعد و هنجارهای روشن نیستند و افراد، اعتبار و احترام هنجارهای رسمی را که به شکل قانون مدون در سراسر جامعه عمومیت یافته و ساری است، می‌شکنند و به عبارت دیگر مرتکب قانون‌گریزی می‌شوند. برای سنجش و تحلیل ناهنجاری در جامعه، شاخص‌ها و سطوح مختلف وجود دارد که مهم‌ترین شاخص، قانون‌گریزی است. قانون‌گریزی به عنوان یکی از پدیده‌های حقوقی-اجتماعی، ابعاد و اشکال متعددی دارد که معطوف به هنجارهایی است که در جامعه به مثابه کل جریان دارد. از این‌رو نقطه مقابل ویژگی عمومیت هنجارهای قانونی در جامعه است. بنابراین اطاعت نکردن کنشگران اجتماعی از عرف‌ها و آداب غیر رسمی، خارج از این تعریف قرار می‌گیرد (رضایی، ۱۳۸۳: ۷۰).

بی‌هنجاری به لحاظ عملیاتی و در شکل قانون‌گریزی، کنشی است که قانون در نزد فرد تهی از معنا بوده، نسبت به آن بدبین و بی‌اعتماد است و حس ناتوانی و بی‌قدرتی در وجودش شکل گرفته و در نتیجه قانون‌گریز به صورت آگاهانه و تعمداً نسبت به قوانین رسمی جامعه مخالف است و آنها را نادیده می‌گیرد. با توجه به اینکه همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می‌گیرند، بنابراین ناهنجاری در معنای عام، دامنه‌ای از رفتارها را شامل می‌شود که بی‌هنجاری را به لحاظ زمان از ماندگاری و پایداری تا گه‌گاهی و نرم به لحاظ وسعت در برمی‌گیرد (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۷). بنابراین مهم‌ترین بعد عینی ناهنجاری، قانون‌گریزی است که به ابعاد جامعه به قانون‌گریزی عمومی، اداری، مالی، راهنمایی و رانندگی و قانون‌گریزی فرهنگ-آموزشی تفکیک شد و در نهایت با تجميع ابعاد شاخص کلی مورد سنجش قرار گرفت.

احساس آنومی

دورکیم، مفهوم آنومی را در دو سطح فردی و اجتماعی و به معنای فقدان هنجار مشخص شده در جامعه و یا وجود شرایطی می‌داند که هنجارها و قوانین زندگی

تثبیت شده در جامعه در یک نوسان شدید قرار بگیرند و اهمیت و نفوذ خود را بر افراد از دست بدهند. بر اساس تئوری آنومی، در وضعیت بی‌هنجاری، هنجارهای اجتماعی اقتدار آمرانه و جنبه مطلوب خود را از دست داده، مدیریت اخلاقی لازمه را بر افراد نمی‌توانند اعمال کنند و در نتیجه افراد نمی‌توانند جهت رفتار خویش را تعیین کنند (دورکیم، ۱۴۰۰: ۳۲۷). در وضع آنومی، هنجارها و معیارهای اجتماعی دچار پریشانی شده، یا آنکه با یکدیگر ناهم‌ساز گردیده، فرد برای هماهنگ شدن با آنها دچار سردرگمی و سرگشتگی می‌شود. از این‌رو فرد در وضعیتی قرار می‌گیرد که به درون خویش پناه برده، توأم با حس بدبینانه، همه پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های دموگرافیک پاسخگویان

داده‌های حاصل از بررسی ویژگی‌های دموگرافیک جمعیت مورد مطالعه در قالب جدول زیر آورده می‌شود.

جدول ۲- مشخصات جمعیت مورد بررسی از لحاظ متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای	توزیع فراوانی‌ها
جنسیت	۵۳/۴ درصد مردان برابر با ۲۰۳ نفر، ۴۶/۶ درصد زن برابر با ۱۷۷ نفر، جمع پاسخگویان ۳۸۰ نفر
گروه سنی	زیر ۲۵ سال (۲۹ نفر) برابر با ۷/۶ درصد، بین ۲۶ تا ۳۳ سال (۸۸ نفر) برابر با ۲۳/۱ درصد، بین ۳۴ تا ۴۱ سال (۱۱۷ نفر) برابر با ۳۰/۷ درصد، بین ۴۲ تا ۴۹ سال (۶۸ نفر) برابر با ۱۷/۸ درصد و ۵۰ تا ۵۷ سال (۵۲ نفر) برابر با ۱۳/۶ درصد و ۵۸ سال به بالاتر (۲۶ نفر) برابر با ۶/۸ درصد
وضعیت تأهل	مجرد (۱۱۰ نفر) برابر با ۲۹ درصد، متأهل (۲۷۰ نفر) برابر با ۷۱ درصد.
وضعیت تحصیلی	دیپلم و پایین‌تر (۱۰۷ نفر) برابر با ۲۸/۱ درصد، فوق‌دیپلم (۸۹ نفر) برابر با ۲۳/۴ درصد، لیسانس (۱۳۳ نفر) برابر با ۳۵ درصد، فوق‌لیسانس و بالاتر (۵۱ نفر) برابر با ۱۳/۴ درصد.

با توجه به نتایج یافته‌ها به طور کل در جامعه مورد مطالعه، تعداد پاسخگویان زن و مرد از نظر جنسیت تاحدودی متفاوت و درصد مردان بیشتر از زنان بوده است. نزدیک به $\frac{2}{3}$ پاسخگویان، بین گروه سنی ۱۸ تا ۴۰ سال قرار داشته‌اند. نزدیک به $\frac{2}{3}$ پاسخگویان این پژوهش متأهل بوده‌اند و با توجه به سطح تحصیلات جامعه مورد مطالعه در مقطع کارشناسی، نسبت به دیگر گروه‌های تحصیلی بیشتر بوده‌اند.

جدول ۳- توزیع درصد پاسخگویان برحسب متغیرها و مؤلفه‌های پژوهش

متغیرها	سطح سنجش (درصد)	میانگین	انحراف معیاری	متوسط	زیاد	کم	توزیع
احساس امنیت	۱۵/۵	۲۲	۲۶/۱	۲۰/۲	۱۶/۲	۲/۴	متوسط
احساس عدالت	۱۷/۳	۲۰/۲	۲۵/۹	۲۸/۱	۹/۵	۳/۱	متوسط
اعتماد اجتماعی	۱۷/۶	۱۶/۱	۲۶/۱	۲۲/۲	۱۸	۳	متوسط
احساس انومی	۸/۶	۱۰/۸	۳۶/۹	۱۶/۴	۲۶/۳	۳/۴	متوسط
ناهنجاری	۱۷/۵	۲۰/۲	۳۰/۸	۱۷/۱	۱۴/۴	۳/۲	متوسط

در مجموع پاسخگویان به لحاظ متغیر اصلی پژوهش یعنی احساس امنیت، نمره میانگین کم (۲/۴) و امتیاز ۶۰/۶ از متوسط به پایین را داشته‌اند که در مجموع مؤید احساس امنیت پایینی است. به لحاظ احساس عدالت و اعتماد اجتماعی، وضعیت متوسط و در ارتباط با متغیر احساس انومی، میانگین بالایی داشته‌اند. اما در ارتباط با متغیر وابسته، نتایج بیانگر آن است که میزان ناهنجاری، میانگین (۳/۲) بالایی داشته که نشان‌دهنده میزان وجود ناهنجاری محل اعتنا و تأمل در میان شهروندان مورد مطالعه است و از مسئله بودن وضعیت و شرایط موجود حکایت می‌کند.

با توجه به نتایج به لحاظ متغیرهای جنسیت و وضعیت تأهل، شاهد تفاوت در انجام کنش ناهنجاری بین زن و مرد و همچنین متأهل‌ها و مجردها بوده، تفاوت آنها هم معنادار بوده است. همچنین از میان متغیرهای مستقل، تنها داده‌ها بیانگر معناداری متغیر مهم احساس امنیت بوده، مابقی معنادار نبوده‌اند.

جدول ۵- وزن خالص و ناخالص هر یک از متغیرهای مستقل

بر ناهنجاری (مدل ش ۴)

نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر ناهنجاری Method=Septwise					ضرایب استاندارد و غیر استاندارد درباره عوامل مؤثر بر ناهنجاری (مدل ش ۴)				
Sig	ANOVA	R^2 .adj	R^2	R	Sig	T	Beta	b	متغیرهای داخل معادله
					...	۱۱/۲۷	---	۲/۸۴	مقدار ثابت constant
					...	-۱۲/۰۳	-۰/۵۲۸	۶۳/۵۱۰-	احساس امنیت
					...	-۵/۳۹	۰/۲۱۶	۱۷/۰۲۷	احساس عدالت
					...	-۴/۱۸	-۰/۱۷۷	۲۲/۰۱۸	اعتماد اجتماعی
					...	۴/۲۷	۰/۱۸۹	۳/۰۱۸	احساس انومی
۰/۰۰۰	۳۷/۹	۰/۱۹	۰/۲۰	۰/۴۴					

جدول شماره (۵)، سهم نسبی متغیرهای مستقل و منعکس‌کننده مهم‌ترین مدلی است که در نهایت از بیشترین تبیین برخوردار شده است. یافته‌های جدول بیانگر این

است که در میان متغیرهای مستقل در معادله، احساس امنیت (۵۲۸/۰-)، بیشترین سهم را در توضیح ناهنجاری دارد و این در واقع مهم‌ترین فرضیه محوری پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. بدین معنا که هرچه افراد جامعه در فرایند تجربه زیسته خود درک و فهم مثبت، بازخورد عینی ایمن از اندوخته‌های خود در داخل جامعه و نهادهای آن داشته باشند، خود را بیشتر جزئی از جامعه و هویت اجتماع ملی می‌دانند. بر آن اساس سعی در تعریض و تحکیم هنجارهای اجتماعی و احساس تکلیف بیشتری در راستای انجام آنها خواهند داشت و بر این اساس حس امنیت بیشتری داشته، جهت‌گیری‌های احساسی-شناختی خود را در پرتو سازوکار هنجارمند جامعه سوق خواهند داد. در این صورت آمادگی عمل بیشتری دارند تا به انجام کنش هنجارمند در انجام امور روزمره خود بپردازند و در قبال جامعه احساس مسئولیت می‌کنند. به بیان دیگر تعلق خاطر بیشتری نسبت به نهادهای، نمادهای ملی، مواریت تاریخی، ارزش‌ها و هنجارهای سرزمینی و تاریخی برخوردار داشته، سعی در حفظ و پاسداشت آنها خواهند داشت. به دنبال آن، متغیر احساس عدالت قرار دارد که به ترتیب دارای تأثیر معنادار بر هنجارمندی است. این شرایط، تسهیل‌کننده^۱ نظم و انسجام اجتماعی در سطوح خرد، میانه و کلان خواهد بود.

یافته‌های بالا به این معناست که در بعد ذهنی، داشتن حس امنیت و آرامش از سوی محیط‌های پیرامون فرد، شرایط را برای تعادل شخصیتی و روانی فراهم می‌کند و احتمال رفتارهای هیجانی ضد اجتماعی را تقلیل داده، در نتیجه فرد از یکسو به تقویت پیوندهای عاطفی به دیگران و جامعه می‌پردازد و از سوی دیگر از کنش‌های معطوف به منفعت‌طلبی شخصی و یا ضد اجتماعی دوری می‌گزیند. به طوری که هم‌زمان رفتار مبتنی بر اعتمادپذیری، اعتمادکنندگی و پیش‌بینی‌پذیری میان کنشگران اجتماعی نسبت به یکدیگر تقویت می‌یابد. به بیانی دیگر بر اثر فقدان امنیت و وجود اضطراب اجتماعی، همکاری اجتماعی و پیش‌بینی‌پذیری رفتار اجتماعی که دو رکن نظم اجتماعی‌اند، کاهش می‌یابد و موجب بروز هرج و مرج اجتماعی می‌شود و در نتیجه

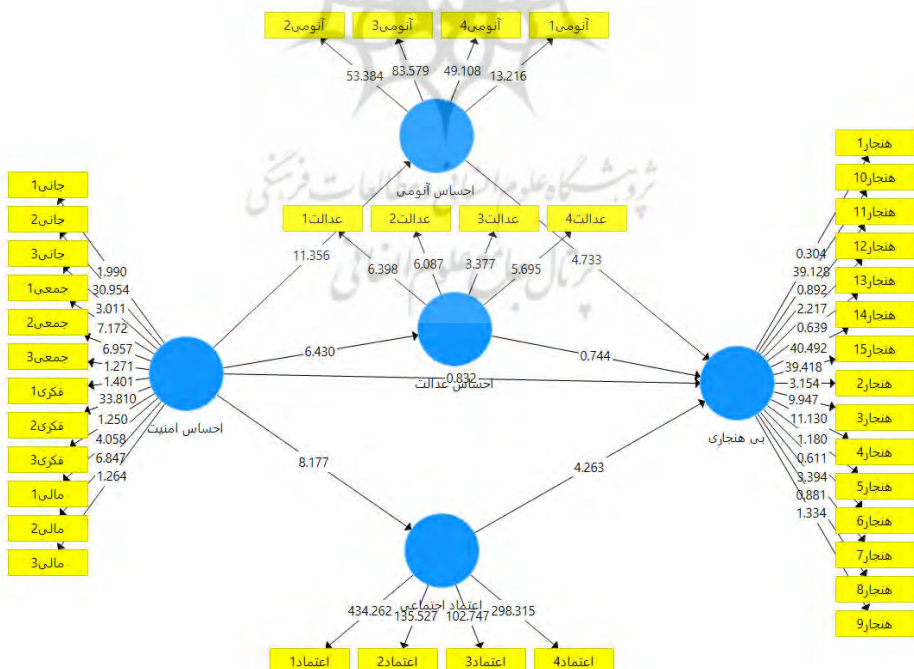
شرایط و فرصت برای آنومی اجتماعی، انواع مختلف کثرت‌فردی اجتماعی و ارتکاب جرائم و قانون‌گریزی‌های گوناگون فراهم می‌شود (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

ضریب تعیین (R^2) به دست آمده در ارتباط با ناهنجاری، برابر با ۰/۲۰ است. این یافته بدین معناست که متغیرهای وارد شده به معادله، توانسته ۲۰ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین کند. با توجه به نتایج می‌توان معادلات رگرسیونی استاندارد را به شرح زیر نوشت:

$$\text{ناهنجاری} = \text{احساس آنومی (۱۸۹)} + \text{اعتماد اجتماعی (-۰/۱۷۷)} + \text{احساس عدالت (۰/۲۱۶)} + \text{احساس امنیت (-۰/۵۲۸)}$$

بررسی و آزمون مدل ساختاری عوامل مؤثر بر ناهنجاری

مدل زیر، بررسی آزمون الگوی ساختاری و بررسی ضرایب مسیر (Beta) رگرسیون یک متغیر بر دیگری است. همچنین در قالب ماتریس همبستگی اثرات مستقیم، غیر مستقیم و اثرات کل در جدول آورده می‌شود.



شکل ۲- الگوی مدل ساختاری PLS پژوهش

در اینجا ابتدا با استفاده از اندازه اثر F^2 به میزان اندازه اثر یک متغیر برونزا را روی یک متغیر درونزا در معادلات ساختاری اندازه گیری می کنیم. به عبارتی سهم نسبی یک متغیر مستقل بر R^2 متغیر دیگر را محاسبه می نماییم.

اندازه اثر F^2 برای متغیرهای احساس امنیت، احساس آنومی، احساس عدالت و اعتماد اجتماعی با ناهنجاری به ترتیب برابر با ۰/۲۱۴، ۰/۱۸۹، ۰/۰۹۱ و ۰/۱۹۴ است که به جز متغیر احساس عدالت که تأثیر ضعیف داشته، می توان قضاوت کرد که سهم نسبی مابقی متغیرهای مستقل با توجه به ملاک مورد نظر مطلوب است.

در قسمت زیر ابتدا به خروجی ضرایب تأثیر استاندارد متغیرهای مستقل بر وابسته (بیرونی بر درونی) و سپس به اثرات کل پرداخته می شود. مطابق جدول متغیر احساس امنیت، بیشترین ضریب را با تأثیر ۰/۴۸۶ بر بی هنجاری داشته است و کمترین اثر استاندارد مربوط به متغیر احساس عدالت با ضریب ۰/۱۴۵ است.

اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته (برونزا بر درونزا) مسیر مدل نشان می دهد که میزان تأثیر کل متغیرهای احساس امنیت، احساس آنومی، احساس عدالت و اعتماد اجتماعی بر بی هنجاری به ترتیب ۰/۵۱۴، ۰/۲۷۵، ۰/۱۴۵ و ۰/۴۴۸ است که متغیر احساس امنیت، بیشترین اثر کل (مستقیم و غیر مستقیم) و متغیر احساس عدالت نیز کمترین اثر بر ناهنجاری (متغیر وابسته) را داشته اند.

جدول ۶- ضرایب سطح معناداری متغیرها و نتیجه فرضیه ها

رابطه متغیرها و نتیجه فرضیه ها	Sample Mean (M)	T Statistics (O/STDEV)	P Values	نتیجه فرضیه
احساس امنیت -> ناهنجاری	۰/۷۱۴	۶/۴۳	۰/۰۰۰	تأیید
احساس امنیت -> احساس آنومی	۰/۴۶۹	۱۱/۳۵	۰/۰۰۰	تأیید
احساس آنومی -> ناهنجاری	۰/۲۳۸	۴/۷۳	۰/۰۰۰	تأیید
احساس امنیت -> احساس عدالت	۰/۱۳۵	۰/۸۳۲	۰/۳۴۱	رد
احساس امنیت -> اعتماد اجتماعی	۰/۶۱۷	۸/۱۷	۰/۰۰۰	تأیید
احساس عدالت -> ناهنجاری	۰/۰۳۲	۰/۷۴۴	۰/۴۹۸	رد
اعتماد اجتماعی -> ناهنجاری	۰/۴۲۶	۰/۷۴۴	۰/۰۰۰	تأیید

با بررسی مقدار ضرایب حاصل از رابطه میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته در جدول شماره (۶) مشخص شد که بی‌هنجاری با احساس امنیت رابطه داشته، فرضیه اصلی تحقیق تأیید شده است. همچنین متغیرهای احساس انومی و اعتماد اجتماعی با ناهنجاری ارتباط داشته، فرضیه‌های مربوط به آنها نیز تأیید شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

نظم اجتماعی، مهم‌ترین موضوع اساسی در هر جامعه‌ای و به یک معنا، هدف، محور و ابزار توسعه است که تمام جوامع در تکاپوی حصول به آن هستند و در این راستا مکانیزم‌های خاصی برای هنجارمند کردن منش‌های فردی و جمعی تعبیه و به کار می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر و بستر ساز نظم و بی‌هنجاری، احساس امنیت و سرایت آرامش خاطر در میان جامعه و افراد است. احساس امنیت در شکل‌های جانی، اقتصادی و... نمود می‌یابد و نوعی حس مثبت افراد نسبت به اندوخته‌ها و سرمایه‌های جمعی و شخصی فرد است. در این میان قانون، یکی از لوازم ضروری و حیاتی تأمین نظم در جامعه است. قانون‌گریزی، نوعی تمایل منفی و جهت‌گیری^۱ ناهنجارانه نسبت به قوانین رسمی و هنجارهای قانونی در جامعه است که شخص به صورت آگاهانه و به عمد سعی در سرپیچی و اطاعت نکردن از آنها دارد. در زندگی اجتماعی امروزه از یکسو با توجه به پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی و از سوی دیگر به خاطر شکل‌گیری انواع آسیب‌های اجتماعی، مطالعه نظم و ناهنجاری، اهمیت و ضرورت بالای دارد.

تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی بود که «چه رابطه‌ای میان احساس امنیت و ناهنجاری است؟». جدول توزیع توصیفی نشان داد که در مجموع پاسخگویان احساس امنیت (میانگین ۲/۴) پایینی در زندگی اجتماعی خود دارند. همچنین پاسخگویان، احساس انومی (میانگین ۳/۴) و احساس عدالت (میانگین ۳/۱) متوسط به بالایی دارند. به لحاظ اعتماد اجتماعی نیز پاسخگویان (میانگین ۳)، وضعیت متوسطی دارند. اما نتایج در ارتباط با متغیر وابسته بیانگر آن است که میزان بی‌هنجاری (با میانگین ۳/۲) متوسط به بالا در میان پاسخگویان بسیار بالا است که نشان‌دهنده مسئله

بودن وضعیت و شرایط موجود است. نتایج نشان داد که متغیرهای جنسیت و وضعیت تأهل به لحاظ انجام رفتارهای بی‌هنجاری، متفاوت و یکسان نبوده‌اند. نتایج ضریب رگرسیون با $(R^2 = 0/20)$ (جدول ۶) نشان می‌دهد که میان متغیرهای احساس امنیت $(0/528)$ ، احساس عدالت، احساس آنومی اجتماعی و اعتماد اجتماعی با بی‌هنجاری، رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اصلی تحقیق تأیید شد.

یافته‌های پژوهش حاضر، همسو با پژوهش نوری و همکاران (۱۳۹۹)، بیات (۱۳۹۸)، گودرزی و همکاران (۱۳۹۹) است. در ضمن تحلیل آماری نشان داد که از میان متغیرهای مستقل باقی‌مانده در معادله، احساس امنیت، بیشترین سهم را در توضیح ناهنجاری به عهده دارد و این در واقع یکی از فرضیه‌های محوری پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. بدین معنا که هرچه افراد جامعه در فرایند اجتماعی شدن رسمی و غیر رسمی، درک و فهم مثبت و عام‌گرایانه‌تری از جامعه و نهادهای آن داشته باشند، خود را بیشتر جزئی از جامعه و اجتماع ملی می‌دانند و در نتیجه آن، احساس امنیت بیشتری خواهند داشت و بر آن اساس سعی در تعریض و تحکیم هنجارهای اجتماعی داشته، احساس تکلیف بیشتری در راستای انجام تعهدات اجتماعی^۱ خواهند داشت. در این صورت آمادگی عمل بیشتری دارند تا به انجام کنش هنجارمند در انجام امور روزمره خود بپردازند و در قبال جامعه احساس مسئولیت می‌کنند. در پایان می‌توان اظهار داشت که با وجود ناهنجاری، شاهد اختلال در نظام هنجاری، آنومی اجتماعی و اتخاذ کنش‌های منفعت‌طلبانه خودخواهانه از سوی افراد در جامعه خواهیم بود که موجب بی‌نظمی در ایفای نقش‌ها در جامعه و حقوق و تکالیف مترتب بر آنها می‌باشیم که در سطحی کلان‌تر انسجام اجتماعی، وفاق جمعی فراگیر و تنظیم و نظم عمومی عام دچار اختلال و آنومی خواهد شد.

پیشنهاده‌ها

با امعان نظر در نتایج و یافته‌های تجربی پژوهش، پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

- با توجه به نقش مهم و معناداری متغیر احساس امنیت، نهادهای امنیتی و غیر امنیتی باید شرایط، بسترها و برنامه‌ها را از طریق ارتقای شرایطی مانند برخورد قاطع، عادلانه و شفاف با انواع ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی‌ها با اتخاذ راهکارهای نرم و سخت‌افزاری فراهم سازند.

- اقدام برای افزایش احساس امنیت از طریق توزیع عادلانه امکانات و ثروت و نیز کاهش احساس بی‌قدرتی به‌ویژه از طریق توجه به گروه‌های متنوع اجتماع در برنامه‌ریزی‌های سیاسی- اجتماعی کشور که منجر به افزایش احساس امنیت اجتماعی و نیز بهبود مشارکت افراد در ایجاد امنیت است.

- ارتقای سطح توسعه فرهنگی و تعمیم زبان و فهم مشترک و همگانی از اعیان فرهنگی و اجتماعی نظیر قانون و قواعد حقوقی در جامعه به شیوه‌ای خردمندانه و قابل قبول برای همگان که به تقویت حس مثبت و تعهد و تکلیف در برابر هنجارهای قانونی بینجامد.

- تدوین نظام جامع مشارکت در حوزه امنیت عمومی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود که این امر نیز به ارتقای امنیت و به دنبال آن احساس امنیت می‌انجامد.

- تقویت نهادهای مستقل مدنی برای پل زدن و پر کردن شکاف میان ملت و دولت باشد؛ به صورتی که افراد جامعه به قانون به عنوان یک امر سیاسی- دولتی صرف نگاه نکنند و نگاه تخصصی به آن نداشته باشند و در نتیجه از گسترش شرایط نابسامان (آنومیک) جلوگیری شود.

- استفاده از رسانه‌های جمعی برای رشد، آموزش و تقویت آگاهی قانونی شهروندان و آگاه نمودن مردم با هنجارها و قوانین اخلاقی و اجتماعی.

منابع

- بخارایی، احمد (۱۴۰۰) جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران، تهران، جامعه‌شناسان.
- بیات، بهرام (۱۳۹۸) جامعه‌شناسی احساس امنیت، تهران، امیرکبیر.
- پروین، فرهاد (۱۳۹۲) «قانون‌گریزی، نقض متقابل حقوق شهروندی»، مجله پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، شماره دوم (پیاپی ۹۷)، تابستان، صص ۱۷۵-۱۸۶.
- جواد، حسن و محمود علمی و صمد صباغ (۱۳۹۱) «بررسی عوامل موثر اجتماعی در احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز»، دوره ۵، شماره ۱۴، اردیبهشت، صفحه ۲۹-۴۵.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵) تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران، نشرنی.
- حسینی نثار، مجید و مصطفی فیض‌ثابت و صغری شب افروزان (۱۳۹۴) «آنومی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر رشت)»، مجله مدیریت فرهنگی، شماره ۹ (۲۹)، صص ۱۹-۳۲.
- دورکیم، امیل (۱۴۰۰) درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، ویراست دوم، چاپ دوم، تهران، مرکز.
- رجبی، حاجیه و فریبا شایگان (۱۳۹۸) «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان اهوازی»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۸، تابستان، صص ۴۷-۷۵.
- رضایی، محمد (۱۳۸۳) «بی‌انضباطی و قانون‌گریزی؛ در جست‌وجوی طرحی نو برای حاکمیت قانون در ایران»، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال سوم، شماره دوازدهم، پاییز، صص ۷-۳۹.
- سیدین، ندا و عبدالرضا ادهمی و طلیعه خادمیان (۱۴۰۱) «شناخت تأثیر بی‌هنجاری با تأکید بر سه بُعد (بی‌معنایی، بی‌اعتمادی، بی‌قدرتی) بر بی‌تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و تهران شمال در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱)»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال دوازدهم، شماره ۴۴، صص ۱۶۹-۲۰۲.
- شول، سجاد و سعید معدنی و ساسان ودیعه (۱۴۰۰) «تأثیر اقشار اجتماعی بر بی‌هنجاری اجتماعی در بین ساکنان منطقه ۱۱ شهر تهران»، فصلنامه پژوهش‌های علوم مدیریت، سال سوم، شماره ۹، زمستان، صص ۴۲-۵۸.
- طاهری، زهرا و رسول ربانی (۱۳۹۵) جامعه‌شناسی امنیت و احساس امنیت، تهران، جامعه‌شناسان.
- عباس‌زاده، محمد و محمدباقر علیزاده اقدم و سیدرضا اسلامی بنباب (۱۳۹۱) «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، شماره ۱، بهار، صص ۱۴۵-۱۷۲.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر (۱۳۸۹) «قانون‌گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای)»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۲، صص ۳۸۱-۴۱۰.

- فیروزجائیان، علی اصغر و سیدضیا هاشمی (۱۳۹۵) «قانون‌گزینی به مثابه آنومی اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۷، شماره ۴۷، صص ۸۱-۱۰۶.
- قجری، حسینعلی و نیره حافظی شاهرودی (۱۴۰۲) «احساس امنیت زنان در شهر تهران»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، سال چهاردهم، شماره ۷۳، بهار، صص ۱-۲۴.
- کلانتری، صمد و رسول ربانی و کامران صداقت (۱۳۸۴) ارتباط فقر با قانون‌گزینی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال پنجم، سال ۱۸، صص ۱-۲۳.
- کندال، دیانا (۱۴۰۱) جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه فریده همتی، تهران، جامعه‌شناسان.
- گیدنز، آنتونی (۱۴۰۰) تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، مرکز.
- گودرزی، سعید و نورالدین اله دادی (۱۳۹۹) «عوامل مرتبط با احساس امنیت با تأکید بر احساس نابرابری»، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم، شماره دوم، پیاپی پنجاهم، تابستان، صص ۱-۲۴.
- مبارکی، محمد (۱۳۸۳) بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و جرم، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، استاد راهنما مسعود چلبی، گروه جامعه‌شناسی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) وندالیسم؛ مبانی روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب‌شناسی و کژرفتاری اجتماعی، تهران، آن.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۶) بررسی گرایش به اطاعت از قانون در ایران، در: قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محسنی، رضاعلی (۱۳۹۱) تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گزینی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال پنجم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار، صص ۸۴-۱۰۸.
- محمدی، صیاد و شیوا جلال‌پور و بهرام یوسفی و حامد عامری گلستانی (۱۴۰۱) «بررسی رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی نوین با آگاهی سیاسی و آنومی اجتماعی در شهروندان استان ایلام»، فرهنگ و رسانه، سال یازدهم، شماره ۴۴، پاییز، صص ۱۴۴-۱۹۹.
- مستمع، رضا و باقر ساروخانی و منصور وثوقی (۱۳۹۷) «تبیین عوامل مؤثر بر آنومی اجتماعی در بستر توسعه فرهنگی در خانواده شهری و پیامدهای آن»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۲، صص ۷-۲۶.
- موسوی مجد، سیدمحمد و حامد آئینی و حیدر محمدی و غزاله ژاله رفعتی (۱۳۹۹) «رابطه اخلاق حرفه‌ای با آنومی اجتماعی (اهمال‌کاری) در میان کارکنان»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پانزدهم، شماره ۳، صص ۱۶۰-۱۶۸.
- میرزایی، ابراهیم و یعقوب احمدی و احمد بخارایی و هوشنگ نایی (۱۳۹۷) «تأثیر عوامل اجتماعی-

فرهنگی بر قانون‌گرایی»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۵۴، تابستان، صص ۱۸۹-۲۲۸.

نوری، جواد و احمد بخارایی و سیدعطاءالله سینایی (۱۳۹۹) «مطالعه جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی»، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال سیزدهم، شماره سوم (پیاپی ۵۱)، پاییز، صص ۲۰۳-۲۲۸.

- Aki, A., & Akin, U. (2015) Self-compassion as a predictor of social safeness in Turkish university students. *Revista Latinoamericana de Psicología*, 47(1), 43-49.
- Clements, Kevin (1997) Toward A Sociology Of Security, Working paper 90-4.july.
- Franzese, Robert, J. (2020) *The Sociology Of Deviance; Differences, Tradition And Stigma*, Publisher. LTD, SPRINGFIELD. ILLINOIS.
- Junger, M., & Marshall, I. H. (1997) The inter-ethnic generalizability of social control theory: An empirical test. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 34, 79-112.
- Serajzadeh, Sayed Hossein, Younes Akbari (2008) Factors influencing Attitudes toward Drug Use among College Students (Case of Study: College Students University of Kharazmi). *Iranian International Journal Of Social Sciences*, Volume:4 Issue: 4, Autumn 2014, PP 55 -62.